



بازداشت عمران خان، دلایل داخلی و کمین آمریکا برای وارد آوردن ضربه کاری به اسلام‌آباد

امضای بایدن پای آشوب اسلام‌آباد

فرهیختگان روز گذشته (جمعه) دادگاه عالی اسلام‌آباد با صدور حکمی اعلام کرد، «عمران خان» نخست‌وزیر پیشین این کشور را به قید وثیقه برای دو هفته آزاد کرده است. عصر پنجشنبه، این دادگاه بازداشت عمران خان را غیرقانونی دانسته‌بود. دستگیری رهبر حزب تحریک‌انصاف پاکستان در روز سه‌شنبه موجی از اعتراضات سراسری رادر این کشور برانگیخت که باعث حمله‌طرقداران اوبه‌ساختمان‌های دولتی و حتی خانه‌ریاست ارتش شد. در این التهابات دست کم ۱۱ تن کشته و ۲۵۰ نفر از جمله چندعضو برجسته حزب تحریک‌انصاف توسط نیروهای امنیتی دستگیر شدند. درخصوص وقایع اخیر پاکستان که ریشه در تحولات یک سال پیش دارد نکاتی وجود دارد.

بیست‌ویکم فروردین سال گذشته عمران خان، نخست‌وزیر پاکستان در یک صف‌آرایی گسترده داخلی و خارجی برکنار شد. در این صف‌آرایی آمریکا، ارتش پاکستان و اپوزیسیون این کشور به‌رهبری شهباز شریف رئیس «مسلم لیگ» و بلاول بوتوزرداری رهبر «حزب مردم پاکستان» حضور داشتند و موفق شدند با خریداری رای نمایندگان پارلمان و همراهی دیوان عالی، وی را برکنار سازند.

پیش از برکناری عمران خان، دونالد لومعون وزارت‌خارجه آمریکا در امور مربوط به آسیای جنوبی و مرکزی نامه‌ای از شورای امنیت ملی کشورش را به سفارت پاکستان در واشنگتن تحویل داده بود که در آن از دولت عمران خان خواسته شده بود در برابر تحرکات پیش روی اپوزیسیون در پارلمان برای ساقط ساختن شان، مقاومت نکند.

در آن برهه عمران خان چند اقدام بزرگ برخلاف خواست آمریکا برداشته بود. او قصد داشت مانند اردو انداز میان قدرت‌های شرقی و غربی دست به‌بازی بزند اما حضورش در مسکو درست در نخستین روز حمله روسیه به اوکراین، آمریکا را خشمگین ساخت؛ سفری که به همین دلیل مورد مخالف رئیس وقت ستاد ارتش پاکستان قرار داشت. نخست‌وزیر پیشین پاکستان در قضیه افغانستان نیز برخلاف خواست آمریکا حرکت کرد و باعث شد قدرت در این کشور به‌طور کامل در دستان طالبان قرار گیرد. بسیاری برکناری عمران خان را به مسائل اقتصادی و اجرایی نشدن قول‌های وی مربوط می‌دانند اما نمونه‌های زیادی از چنین سرانی در جهان وجود دارند که همچنان بی‌منافسه بر سر کاندید. از این‌روساقط شدن دولت پیشین پاکستان بیشتر از آنکه ناشی از مسائل داخلی باشد، متأثر از مداخلات خارجی بود.

مهار عمران خان در مرحله کنونی به‌دلیل افزایش محبوبیت او ضرورت بیشتری یافت.ملت شاخص هاوشرابطهنگان می‌دهند در صورت برگزاری انتخابات اپوزیور خواهد شد. آخرین انتخابات پارلمانی پاکستان در سال ۲۰۱۸ برگزار شده و با توجه به دوره پنج‌ساله این نهاد در پاکستان، سال جاری باید شاهد برگزاری انتخابات برای دوره بعدی باشد. نواز شریف، نخست‌وزیر پاکستان می‌گوید انتخابات آتی پس از ماه اگوست (مرداد و شهریور) برگزار خواهد شد. عمران خان به‌دلیل برکناری اش به‌دستور آمریکا در جامعه پاکستان به‌محبوبیتی دوچندان دست یافته و دولت فعلی نیز به‌دلیل مشکلات حل نشده اقتصادی تا زمان برگزاری انتخابات، منفورتر خواهد شد.

نگاه

ریساروکسو، استاد علوم سیاسی در دانشگاه مارکت و آویشای بن ساسون گوردیس، مدرس رشته دولت در دانشگاه هاروارد، در مقاله «تنگنای دموکراتیک ارتش اسرائیل، آیا میل به دفاع از دموکراسی می‌تواند

امتناع از پیروی از دستورات ارتوچیه کند؟» که در وب‌سایت فارن افئرز منتشر شده است، به بررسی شکاف به‌وجودآمده در جامعه رژیم صهیونیستی و مشخصاً ارتش این رژیم پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اختلافات حاصله در ارتش این رژیم پیامدهایی مانند تقسیم ارتش اسرائیل به گروه‌های مختلف حامی و مخالف دولت و تشجیع دشمنان این کشور را به‌همراه خواهد داشت. متن این گزارش رادر ادامه می‌خوانید.

۱۱۱

در ماه مارس، هزران نفر از نیروهای ذخیره در ارتش اسرائیل با اعلام اینکه اگر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از برنامه‌های خود برای بازنگری در دستگاه قضایی این کشور دست نکشد، دیدیگر برای آموزش و شرکت در عملیات حاضر نخواهند شد، تل آویورا دچار شوک کردند. یکی از این پیشنهادهای نتانیاهو صورتی که تصویب شود، نظارت دیوان عالی اسرائیل بر دولت این کشور و قوانین آن را از حیز انتفاع ساقط خواهد کرد. انتقادات شدید انجام گرفته از سوی نیروهای ذخیره عامل اصلی تصمیم نتانیاهو برای چشم‌پوشی موقت از دست‌زدن به اصلاحات اساسی بود. با این وجود، تنش بر سر این مسائل کاهش نیافته است و ابتکار میناجی‌گری رهبری شده از اسحاق هرتزوک، رئیس جمهور اسرائیل، پیشرفت چندانی در حل و فصل مناقشه نداشته است.

این مخالفت نیروهای ذخیره از اهمیت نمادین عمیقی برخوردار بوده و همچنین دارای پیامدهای نظامی عملی نیز است، به‌ویژه با توجه به اینکه بسیاری از نیروهای ذخیره مذکور متعلق به نیروی هوایی هستند و در عملیات جاری نیروهای دفاعی اسرائیل در سوریه و در مرز اسرائیل نقش اساسی دارند. تاکنون نیروهای ذخیره به حضور خود برای انجام وظیفه ادامه داده‌اند اما تا زمانی که دعوای بر سر اصلاحات ادامه دارد، احتمال مخالفت نیز وجود دارد.

با توجه به هنجارهای مرسوم روابط دموکراتیک مدنی- نظامی، تهدیدات نیروهای ذخیره مبنی بر امتناع از خدمت می‌تواند و باید به‌طور گسترده محکوم شود، اما اکنون در هنگامه عادی از تاریخ اسرائیل قرار نداریم. بخش بزرگی از جامعه بر این باورند که اصلاحات برنامه‌ریزی شده دولت یک تهدید وجودی برای دموکراسی اسرائیل به‌شمار می‌رود. این امر یک معضل گیج‌کننده برای نیروهای ذخیره ایجاد می‌کند. حفظ یک دموکراسی سالم مستلزم آن است که نیروهای نظامی از مداخله در سیاست خودداری کنند. در عین حال، نظاره منفعلانه در برابر تخریب دموکراسی از سوی دولت منتخب، اساساً با تعهد یک افسر برای حمایت و دفاع از آن دموکراسی در تضاد است. در این شرایط عقب‌نشینی نیروهای ذخیره قابل درک و شاید حتی موجه است. با این حال این مخالفت خطرات بلندمدتی را برای روابط مدنی- نظامی اسرائیل و به‌طور بالقوه برای امنیت ملی این کشور به‌همراه دارد. اسرائیل کشوری است که این تنگنا در آن شدید است. امتنانش بین اطاعت ارتش از اقتدار غیرنظامی و تهدید آن به حمایت از دموکراسی منحصربه‌اسرائیل نیست؛ کارکنان نظامی در سراسر جهان هر زمان که رهبران سیاسی تهدید به تخریب ارتش‌ها و نهادهای دموکراتیک می‌کنند یا تنگنایی مشابه مواجه می‌شوند. به همین دلیل است که نتیجه‌ج‌روارویی کنونی و نقش ارتش اسرائیل در آن بسیار فراتر از خود اسرائیل از اهمیت برخوردار است.

بر اساس نظر سنجی چندماه قبل موسسه گالوپ که در چهار ایالت

و در مناطق شهری و روستایی پاکستان انجام شده است، پاکستان با ۶۱ درصد بیشترین محبوبیت رادر میان سیاستمداران پاکستانی دارد. محبوبیت نواز شریف و بلاول بوتوزقبای وی تقریباً نیمی از میزان محبوبیت اوست، رشدیک ونیم برابری محبوبیت خان از ۴۰ به ۶۱ درصد طی یک سال و نزدیک‌ی موع‌برگزاری انتخابات پارلمانی برای رقابتی او به‌معنای ضرورت یافتن حل مساله به هر شکل ممکن بود. از این رو بود که بازداشت عمران خان انجام شده در ادامه امکان بازداشت خانگی وی و حتی تبعیدش در صورت فراهم شدن شرایط، محتمل است.

ارتش پاکستان ضامن بقای این کشور است و این وظیفه را به‌خوبی انجام داده است. علی‌رغم خشم مردم از مداخلات فراوان و زینبار ارتش در سیاست، این نهاد به‌دلیل نقشش در حفظ امنیت کشور همچنان قادر به جلب محبوبیت در جامعه و طبقه سیاسی پاکستان است. ارتش پاکستان دو هدف عمده برای خود تعریف کرده است که شامل «حفظ کشور از فروپاشی» و «دخال‌ت در سیاست برای

حفظ ثبات کشور» می‌شود که هدف دوم در ادامه و دنبال‌ه هدف نخست قرار دارد. از این دو، مورد نخست عمیق‌تر، مهم‌تر و مشروح‌تر است. مورد دوم اساسطح مناقشه برانگیز و البته تئوچویی بنظر می‌رسد. بر همین

اساس، مردم و طبقه‌ای از سیاستمداران به‌دنبال تک‌هدف ساختن ارتش و اجبار آن به عقب‌نشینی از هدف دومش هستند. ارتش طی یک‌دهه گذشته عقب‌نشینی بزرگی در سرنگونی دولت‌ها داشته اما بار کناری عمران خان با گشت‌زینبار خود باعث پیشیش

جهان‌شهر



اسلامی به کشورها یا واحدهای کوچک‌تر است که پاکستان نیز بیرون از دایره آن قرار نمی‌گیرد. با این حال واشنگتن در هدف کوتاه‌مدتی که در تناقض با هدف بلندمدتش به‌شمار می‌رفت، در دوران جنگ سرد برای آنکه مانع از حرکت شوروی به سمت جنوب و آب‌های گرم شود، از پاکستان حمایت‌های گسترده‌ای داشت.

امروز با تغییر شرایط، آمریکا برخلاف گذشته که به‌دنبال تعویق موقت هدف عمده‌اش برای تجزیه پاکستان بود، دلایل زیادی برای تسریع در آن دارد. برای مهار چین، پاکستان باید متلاشی با حداقل بی‌ثبات شود التهاب در پاکستان می‌تواند ابتکار کم‌ربند جاده چینی‌ها را چهار چالش کند. باید توجه داشت این التهاب باید به‌گونه‌ای باشد که با کمک چین، بحران قابل عبور نباشد، به‌عنوان مثال اگر بحران تک‌شاخ‌های مالی باشد، شاید اسلام‌آباد با کمک پکن نتواند از آن عبور کند اما اگر ابعاد گسترده و چشم‌انداز تیره باشد، چین نه کمک می‌کند و نه کمک‌هایش موثر خواهد بود.

در وهله دوم از نگاه آمریکا، مهار چین از مسیر هند عبور می‌کند و تقویت دهلی نو نیز در گرو عبور این کشور از چالش پاکستان است.

پاکستان به‌خودی‌خود دشمن هند است و دیگران مانند چین نیز برای مهار هند از تقویت پاکستان بهره‌می‌گیرند. وضعیت منطقه‌ای نیز نشانگر نزدیکی بیش از اندازه دهلی نو و واشنگتن است. یکی از

دلایل وابستگی و نیاز هند به روسیه، بهره‌گیری از توان این کشور برای موازنه چین و پاکستان بوده است. این مساله ریشه در جنگ سرد دارد و پس از آن نیز تداوم داشته است. با وقوع جنگ اوکراین

را آشکار ساخت، هرچند این تغییر دولت نه‌به‌شکل کودتایی نظامی، بلکه با اتکا به نهادهای قانونی صورت گرفت. باید دید ارتش بار دیگر از مساله «دخال‌ت در سیاست برای حفظ ثبات کشور» عقب‌نشینی می‌کند یا خیر. عمران خان تلاش دارد ارتش را وادار به چنین اقدامی کند، درست مانند اردوغان که چنین کاری را در ترکیه به‌انجام رساند.

عمران خان ضمن محبوبیت در میان مردم، طبقه‌ای از سیاستمداران کارکنشته لاهمراه خود داشته و از محبوبیت در میان رده‌های میانی و پایین ارتش و همچنین حمایت برخی کادراهی بالایی این نهاد برخوردار است. این ویژگی هاشان می‌دهد عمران خان قدرت زیادی در رقابت‌ها دارد؛ برخلاف بسیاری از بازیگران سیاسی که فاقد این ویژگی‌ها بوده‌اند. عمران خان با اتکا به این ویژگی‌ها بود که پیش از ساقط شدن تلاش کردیکی از متحدان خود را به ریاست ستاد ارتش بگمارد. این موضوع نشان می‌دهد وی پدیده‌ای نادر و بسیار قابل‌توجه در پاکستان است که نمی‌توان او را دست کم گرفت.

مداخلات خارجی اثرگذار

آغاز منازعه کنونی در پاکستان با ساقط کردن دولت عمران خان دستور آمریکا صورت گرفت و تداوم آن نیز بر اساس خواست واشنگتن است. در این خصوص نکاتی وجود دارد.

آمریکا هدف عمده‌ای علیه کشورهای اسلامی در ذهن دارد که با وجود اهداف کوتاه‌مدتی که متناقض با این هدف به‌نظر می‌رسند در حال پیگیری آنهاست. هدف عمده آمریکا تجزیه پاکستان

مخالفت نظامیان صهیونیست با تصمیمات دولت به بهانه دفاع از دموکراسی زنگ خطر را به‌صدا درآورد

ارتش صهیونیستی پارهاپاره می‌شود؟

بالاترین مقام نظامی این کشور از استفاده از چنین بی‌الغاتی خودداری کرده است. لوی

با گروه‌هایی از نیروهای ذخیره دیدار کرده، تعهد خدمت به آنها را یادآوری کرده، خواستار اتحاد شده و بر اهمیت امتناع آنها از ورود به سیاست تأکید کرده است. اما او مستقیماً این نیروها یا اقدامات آنها را محکوم نکرده است. به همین دلیل، کارشناسان طرقداران نتانیاهو او را «مایه شرمساری» توصیف کردند.

در شرایط عادی، دولت حق دارد دخالت نظامی نارا و در امور مدنی رامحکوم کند. حتی در اسرائیل، جایی که سربازان مرتب‌ادر مطبوعات صحبت می‌کنند، نیروهای مسلح قوانین و سیاست‌ها را بر دولت دیکته نمی‌کنند و این مسئولیت برعهده شهروندان و رهبران سیاسی است که برای خدمت به خود انتخاب می‌کنند. اما شرایط کنونی این ارزیابی را پیچیده می‌کند. اسرائیل قانون اساسی مکتوبی ندارد که نیروهای ذخیره و قاداری خود را به آن اعلام کنند، اما تصمیم آنها برای خدمت به این کشور نشان‌دهنده احساس عمیق وظیفه آنها در قبال نهادهای دموکراتیک این کشور است. حمله نتانیاهو به قوه قضائیه اصول اولیه این خدمت را به چالش می‌کشد. از نظر آنها تیشه به ریشه تفکیک قوا نقض قرارداد اجتماعی به‌شمار می‌رود که این نیروها براساس آن تصمیم به خدمت نظامی گرفته‌اند. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از نیروهای ذخیره معتمدند مواضع آنها فراتر از سیاست حزبی و منازعات سیاسی است. آنها در بیانیه‌های عمومی بر خدمت خود در دولت‌های دارای مواضع سیاسی مختلف و در ماموریت‌های نظامی که شخصاً با آنها مخالف بودند، تأکید کرده‌اند. درحقیقت این نیروها به‌جای اعتراض به یک دستور خاص یا سیاست دولتی، در جنگ بر سزوتش لیبرال دموکراسی وارد شده‌اند. همان‌طور که در نامه سرگشاده نیروهای ذخیره شافل در سرویس‌های اطلاعاتی ذکر شده است، خدمت به «کشوری که به‌طور یکجانبه توافق‌نامه‌اساسی با شهروندان خود را تغییر داده است» هنجار فایده‌ای ندارد. نامه دیگری که توسط خدمه ذخیره زبرداری‌های اسرائیل به رشته تحریر درآمده است، از نتانیاهو خواسته شده است که «دست از سر دموکراسی اسرائیل بردارد» و زیرا «هرگونه آسیبی که به آن وارد شود مخرب و غیرقابل برگشت خواهد بود.»

برخی از نیروهای ذخیره همچنین نگران آن هستند که تضعیف نظارت‌های قضایی بر قوه مجریه می‌تواند تقویت تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی نظامی را مختل کند. این امر به‌نوبه خود، ممکن است اعزام آنها را به ماموریت‌هایی که ندر خدمت امنیت ملی، بلکه در راستای برنامه سیاسی داخلی دولت هستند تسهیل کند و احتمالاً آنها را در معرض دادرسی کفیری تحت قوانین بین‌المللی قرار دهد. عدم تمایل دولت به بازنگری در اصلاحات اساسی با مصالحه در باره برخی از مناقشه‌برانگیزترین مولفه‌های آن، تنها به تشدید این ترس‌ها منتج‌امیده است. اقداماتی که ممکن است نتانیاهو خارج از ساختار رسمی انجام دهد، بسیار خطرناک‌تر هستند. مثلاً او فرماندهان نظامی را تحت فشار قرار داده تا مشروعیت نیروهای ذخیره و اعتراضات ضد دولتی آنها را به‌طور گسترده مورد تردید قرار دهند. این خط‌حمله در تلاش‌های چهره‌های بانفوذ جناح راست اسرائیل برای معرفی خلبانان ذخیره و بار چسب

«نخه گرا» قابل مشاهده است. ادعاهای آنها برگرفته از تنش‌های طولانی مدتی است که بین خلبانانی که به‌عنوان افراد طبقه بالا و چپ‌تلقی می‌شوند و خدمه زمینی آنها که تمایل دارند از گروه‌های به‌حاشیه‌رانده شده تاریخی حمایت کرده و به‌سمت جناح راست گرایش دارند، وجود دارد. چنین تاکتیک‌هایی خطر متفرق کردن ارتش اسرائیل - که مدت‌ها نیروی متحد‌کننده و تساوی‌دهنده در جامعه اسرائیل بود- در امتداد گسل‌های اجتماعی و سیاسی را دارد و ممکن است سبب شود برخی واحدها یا رده‌ها در کنار دولت و برخی دیگر علیه آن قرار گیرند. خوشبختانه در حال حاضر نشانه‌های کمی از چنین اختلافاتی وجود دارد و احساس مشترک خدمت قوی است.

با این حال برخلاف نیروهای ذخیره معترض، افسران دون پایه و سواده زیادی در ارتش اسرائیل وجود دارند که از سمپات‌های صهیونیست‌های مذهبی و دولت افراطی دست‌راستی به‌شمار می‌روند. این وضعیت برای نهادهای که به‌وحدت در صفوف خود متکی است، دردسرساز است.

علاوه بر ایجاد اختلاف در داخل ارتش، درگیری کنونی خطری برای کنترل غیرنظامیان بر نیروهای مسلح نیز به‌همراه دارد. در کشورهای دموکراتیک، کارکنان نظامی نمی‌توانند مسیری را که کشور در پیش خواهد گرفت، انتخاب کنند. رهبران منتخب این تصمیمات را می‌گیرند و ارتش باید آنها را اجرا کند. البته این وضعیت مستلزم چوکید لیبرال دموکراسی فعال است، نه یک دولت توخالی که به‌طور فزاینده‌ای نسبت به مرشدش پاسخگو نیست. با این حال، اگر اسرائیل توفان فعلی را پشت‌سر بگذارد، اقدامات نیروهای ذخیره می‌تواند رویه‌ای نگران‌کننده ایجاد کند. همان‌طور که یاکیل لوی، جامعه‌شناس اسرائیلی اشاره کرده است، نیروهای ذخیره با اغضای فعال نیروهای نظامی است که به جناح راست گرایش دارند، می‌توانند مانع از تلاش‌های دولت آینده برای بازگرداندن زمین به فلسطینی‌ها شوند؛ و برای توجیه چنین مداخله‌ای به تحولات امروز اشاره کنند.

این اعتراض به‌طور بالقوه به امنیت اسرائیل نیز آسیب‌می‌زند و به دشمنان این کشور نشان می‌دهد که ارتش و جامعه اسرائیل دیواره و آسیب‌پذیر است. در هفته‌های اخیر، حمله به اسرائیل از جمله در قالب برگزاریهای موشکی شلیک‌شده توسط نظامیان مستقر در غزه، لبنان و سوریه، افزایش یافته است. هم منتقدان و هم حامیان دولت ابراز نگرانی کرده‌اند که تصورات ضعف اسرائیل مخالفانش را اجراء خواهد داد تا توانایی باززاندگی این کشور را آزمایش کند؛ اگرچه آنها نسخه‌های متفاوتی از مقصر این وضعیت دارند. در حال حاضر، اسرائیل همچنان در میان بحث و جدل گرفتار شده است. اینکه چگونه ممکن است مصالحه بر سر بازنگری قضایی به نتیجه برسد، مشخص نیست و دولت ممکن است با مقاومت بیشتری از سوی نیروهای ذخیره روبرو شود. نتیجه هر چه باشد، روابط مدنی- نظامی در تل آویو به‌شدت متزلزل شده است.

هیاهوی موجود در اسرائیل دریچه‌ای به تلاطمی ارانه می‌دهد نظامیان در جاهای دیگر هم ممکن است با آن در هنگام عقب‌نشینی دموکراسی مواجه شوند. نباید تعارضی بین خدمت به رهبران غیرنظامی و حمایت از هنجارهای لیبرال دموکراتیک وجود داشته باشد، اما این امر مستلزم هجرانی است که از همان اصول پیروی کنند. وقتی یک دولت نهادهای ارزش‌های خود را هدف قرار می‌دهد و آنها را از درون فرسایش می‌دهد، اوضاع پیچیده می‌شود. کارکنان نظامی ممکن است با انتخابی مواجه شوند که هیچ‌یک از آنها نباید با آن روبرو به‌شوند؛ تسلیم شدن در برابر مقامات غیرنظامی یا حفظ یکپارچگی دموکراسی که قرار است به آن خدمت کنند.